یادداشت روز

بحران مخاطب سینما جدی است

امیرحسین علم‌الهدی

● مهم‌ترین بخش برای پرداختن به موضوع اکران‌های امسال سینمای ایران، به گمان من جشنواره فیلم فجری است که پشت سر گذاشتیم؛ جشنواره‌ای که معمولا نمایش کلی سال آینده سینمای ایران را مشخص می‌کند و متأسفانه سال گذشته جشنواره خوبی را به لحاظ تنوع آثار پشت سر نگذاشتیم. در این میان فقط تعداد معدودی از فیلم‌ها مثل گشت ۲، خوب، بد، جلف یا نهنگ عنبر ۲ توانستند در گیشه موفقیتی کسب کنند و در فصل ابتدایی سال رونقی به گیشه‌ها ببخشند. بعد از پشت سر گذاشتن جشنواره این موضوع قابل حدس بود که قطعا در اکران‌های سال ۹۶ با مشکل مواجه خواهیم شد و افت مخاطب را شاهد هستیم و بنا بر اعلام سایت سینماتیکت، افت یک میلیون و۴۰۰ هزارتایی مخاطب در چهار ماه اول سال گویای همین موضوع است و کاهش ۱۰ میلیون‌نفری مخاطب نسبت به سال گذشته خبر خوبی برای سینمای ما نیست. این افت نیز دلایل متعددی دارد؛ ازجمله اینکه اساسا برخی فیلم‌ها توانایی جذب گسترده مخاطب را ندارد و از طرفی عملکرد تلویزیون نیز به این موضوع دامن می‌زند، از نظر من مهم‌ترین مشکل تلویزیون ما بی‌مخاطب‌بودنش است و فیلم‌های سینمایی ما برای دیده‌شدن نیاز به تبلیغات در تلویزیونی با مخاطب بالا دارد و مدیومی که با گستره عام مردم در ارتباط باشد. تلویزیون ما با بحران مخاطب مواجه است و پوشش مناسبی به جهت تبلیغات فیلم‌های سینمایی در تلویزیون داده نمی‌شود. اما موضوع دیگر به ماجرای فروش دو فیلم کمدی که مدتی است اکران شده است، برمی‌گردد. فیلم سینمایی ساعت ۵ عصر، براساس استراتژی تبلیغاتی که برای آن در نظر گرفته شده بود، قابل حدس بود که در دو، سه هفته اول موج عظیمی از تبلیغات می‌تواند تا حدی برای مخاطب وسوسه‌کننده باشد. فارغ از اینکه اصلا فیلم خوبی هست یا نه و کیفیت خوبی دارد یا خیر که دراین‌باره صحبت نمی‌کنم و وظیفه تحلیل فیلم با منتقدان محترم است اما این فیلم نشان داد نمی‌تواند با مخاطب گسترده و عام ارتباط برقرار کند و فروش فیلم در هفته‌های ابتدایی اکران بیشتر حاصل تبلیغات فیلم بود و اگر مخاطب نتواند با فیلم ارتباط برقرار کند، طبعا نمی‌توان به فروش فیلم در هفته‌های بعد امید داشت که این اتفاق برای «ساعت ۵ عصر» افتاد. از طرف دیگر معتقدم «اکسیدان» با طیف گسترده‌تری از مردم ارتباط برقرار می‌کند و از این جهت موفق‌تر از ساعت ۵ عصر عمل کرد و اکسیدان نیز در زمره فیلم‌هایی قرار می‌گیرد که توانست در گیشه اتفاق مثبتی را ثبت کند. با توجه به اینکه این فیلم از طرف حوزه هنری تحریم شده است و تحریم حوزه معمولا ۱۰ تا ۱۵ درصد به فروش فیلم لطمه می‌زند؛ از این جهت فیلم با افتی در فروش مواجه شده است اما توانسته تا هفته ۹ اکران همچنان روال و فروش منطقی و قابل قبولی داشته باشد. در سال ۹۵ از ساخت سالن‌های سینمای جدید خبر داده شد و ۱۰ سالن جدید به مجموعه سینماها اضافه شد و نگاه این بود که در این شرایط با افزایش مخاطب روبه‌رو می‌شویم، اما نشد! باید باور کنیم بحران کاهش مخاطب سینما جدی است و اگر دولت، بخش خصوصی و صنوف گامی در این جهت برندارند، اتفاق‌های بدتری در راه است و از قرار ظاهرا دغدغه دوستان این موضوع نیست. در این شرایط ممکن است هرگونه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زیرساخت تولید فیلم دچار مشکل شود و نیاز است تا کمیته‌ای تشکیل شود که این بحث‌ها را به عملیات کاربردی تبدیل کند که از کاهش جدی مخاطب جلوگیری شود. در این میان اگر از نمایش فیلم خارجی در سینماها غافل شویم، همچنان دچار افت سینوسی مخاطب هستیم.

جارچی

پرفورمنس موسیقی و طراحی در نیاوران

● **گروه هنر:** بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران، هشتم شهریور میزبان یک پرفورمنس موسیقی و طراحی در قالب سه بخش متفاوت خواهد بود. به گزارش روابط‌عمومی مؤسسه فرهنگی - هنری «رادنواندیش»، کنسرت «چو بیایی»، با نوازندگی پیانو سپاس صدرنوری و همراهی یکتا احمدی‌زاده، نوازنده ویلنسل، چهارشنبه، هشتم شهریور در قالب یک پرفورمنس موسیقی و طراحی در بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران برگزار می‌شود. این کنسرت در سه بخش اجرا خواهد شد که در بخش اول سپاس صدرنوری به اجرای قطعاتی از آثار جدید خود می‌پردازد. در بخش دوم برنامه نیز قطعاتی از ساخته‌های این آهنگساز و نوازنده جوان با همراهی یکتا احمدی‌زاده به صورت دوئت پیانو و ویلنسل ارائه می‌شود. در بخش سوم کنسرت هم پرفورمنسی با عنوان «بداهه‌نوازی، بداهه نقاشی» روی صحنه اجرا می‌شود که بنا بر اعلام برگزارکنندگان، جزئیات این قسمت برنامه تا روز کنسرت اعلام نمی‌شود.

نظرسنجی «شرق» درباره گزینه ایرانی اسکار ۲۰۱۸

اسکار و «رگ خواب» منتقدان

رضا آشفته: هر سال هنگامی که به گزینش فیلم برای نمایندگی ایران در اسکار می‌رسیم، تب‌وتاب شدیدی درمی‌گیرد بین منتقدان و هنرمندان که در نهایت یک فیلم انتخاب و به اسکار ارسال می‌شود؛ گاه این فیلم دلخواه بسیاری است و توافق گروهی برای گزینش آن بسیار بالاست، اما گاهی هم نوعی رویکرد تحمیلی و از بالا همه را متحیر می‌کند که در سال‌های گذشته کم‌وبیش این اتفاق افتاده است. برخلاف آن سال‌ها، امسال قضیه طور دیگری است و انگار همه حس کرده‌اند که فیلم برگزیده‌ای نداریم و هر فیلمی هم انتخاب شود، در اسکار اتفاقی برایش نخواهد افتاد؛ بنابراین حس می‌شود اکثر منتقدان سینما نسبت به آن بی‌تفاوت شده‌اند.

به منتقدان سرشناسی زنگ می‌زنیم، اما یا در دسترس نیستند و اگر هم در دسترس‌اند خیلی مختصر می‌گویند که فیلم‌ها را به تمامی در جشنواره فجر ندیده‌اند، بنابراین صلاحیت انتخاب را ندارند و البته برخی هم رندانه از همان «عدم فیلم برگزیده» می‌گویند که در این فهرست پیشنهادی «شرق» نیز حتی یک نمونه صاحب رأی و نظر و گزینش وجود ندارد. ما هم به‌ناچار ارجاعمان در این گزارش، به همان تعداد محدودی است که حاضرند دراین‌باره اظهارنظر کنند، حالا به شوخی یا جدی.

ما در «شرق» فهرست اولیه‌ای را با توجه به سابقه فیلم و درخشش در جشنواره‌های رسمی و جایزه‌های سالانه تهیه کرده بودیم که شاید بشود از میان آنها حداقل یک فیلم برگزیده را برای اسکار انتخاب کرد، اما اگر هیچ فیلمی هم برای این مناسبت جهانی مناسب نباشد، باید که نقد و نظری در میان باشد. در این فهرست از فیلم‌های رگ خواب، فصل نرگس، ماجرای نیمروز، آباجان، زادبوم، یک روز بخصوص، پریناز، زیر سقف دودی، نهنگ عنبر ۲، ویلایی‌ها، مادر قلب‌اتمی، بیست‌ویک روز بعد، برادرم خسرو و آن‌سوی ابرها نام برده‌ایم، اما برخی از اینها مانند «آن‌سوی ابرها»، کار مجید مجیدی هنوز در ایران اکران نشده و بر سر اینکه نماینده سینمای هند است یا ایران اختلاف است.

۱۰ فیلم برتر از نظر اطبایی

محمد اطبایی با انتشار یادداشتی با عنوان «باز هم تب اسکار» از فیلم‌هایی سخن گفت که شانس بیشتری برای معرفی به اسکار دارند. او در این یادداشت که به ایسنا سپرده، دراین‌باره نوشته: «با نگاهی به فیلم‌های به نمایش عمومی درآمده از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۵ تاکنون، می‌توان ۱۰ فیلم را دارای شانس بیشتری نسبت به دیگر فیلم‌های ایرانی دانست که درباره هر یک نیز می‌توان جداگانه بحث داشت».

«نفس»، ساخته نرگس آبیار، «وارونگی»، ساخته بهنام بهزادی، «ماجرای نیمروز»، ساخته محمدحسین مهدویان و «یک روز بخصوص» و «والدراما» ساخته عباس امینی، «برادرم خسرو»، ساخته احسان بیگلری، «مادر قلب‌اتمی»، ساخته علی احمدزاده، «زیر سقف دودی»، ساخته پوران درخشنده و «رگ خواب»، ساخته حمید نعمت‌الله از جمله این فیلم‌ها هستند.

نظردهندگان

اکثر منتقدان اعلام نظر نکردند، چون فیلم‌ها را ندیده‌اند! اما از میان منتقدانی که حاضر به پاسخ شدند، تهماسب صلح‌جو، گشت۲ سعید سهیلی را انتخاب می‌کند، چون کمدی درخوری است و می‌تواند در اسکار حضور داشته باشد و جلب نظر کند! شهرام جعفری‌نژاد هم فیلم رگ خواب را برای فرستادن به اسکار بهتر می‌بیند، چون هم اولا با معیارهای اسکار بیشتر هم‌خوانی دارد و دوم اینکه لیلا حاتمی که یک بازیگر جهانی است و پیش از این با جدایی نادر از سیمین (اصغر فرهادی) در اسکار حضور داشته، می‌تواند در این معرفی به اسکار نقش مؤثری داشته باشد. محسن خیمه‌دوز انتخابش فیلم «بدون تاریخ بدون امضا»ی وحید جلیلوند است و دراین‌باره می‌گوید: فیلمی که از جنس سینمای «مسئله‌محور» است، موفق شده تحولی در «زیبایی‌شناسی روایت در بازتاب مسئله» ایجاد کند. فیلم، جدا از اینکه «واقعیت مسئله» را نشان می‌دهد (نیمه اول فیلم)، بلکه فراتر از آن، «مسئله واقعیت» را هم روایت می‌کند (نیمه دوم فیلم)؛ مسئله‌ای به نام «انتخاب یک ارزش و اضافه‌کردنش به واقعیت مسئله». به همین دلیل، این فیلم هم در سینمای «مسئله‌محور» ایران بی‌رقیب است و هم در میان فیلم‌های مشابه در بخش خارجی اسکار، کم‌رقیب. البته فیلم جلیلوند هنوز اکران نشده و اگر تا موعد مقرر اکران نشود، باز هم نمی‌تواند برای اسکار انتخاب شود. سحر عصرآزاد با توجه به فهرست عناوینی که احتمال بیشتری برای انتخاب دارند، هیچ گزینه‌ای را مناسب نمی‌داند که بتواند در فهرست ۹ فیلم اولیه و بعد پنج فیلم نهایی برگزیدگان اسکار خارجی قرار بگیرد و دراین‌باره می‌گوید: این فیلم‌ها چه به‌لحاظ محتوایی و چه به‌لحاظ تکنیکی و چه به‌لحاظ یافتن پخش‌کننده جهانی معتبر، شانسی برای انتخاب‌شدن ندارند و البته او فیلم «آن‌سوی ابرها»ی مجید مجیدی را ندیده که بخواهد درباره‌اش نظری بدهد. کیوان کثیریان می‌گوید اگر مجبور نباشد انتخاب کند، همان بهتر که امسال فیلمی معرفی نشود، اما اگر اجبار باشد، با آنکه «رگ خواب» محبوبش نیست، اما نسبت به بقیه فیلم‌ها شاید برای معرفی‌شدن به اسکار بهتر باشد و فیلم «ماجرای نیمروز» هم با آنکه فیلم نسبتا خوبی است اما به‌لحاظ فرامرزی از اقبال کمتری در ارتباط‌گرفتن با خارجی‌ها برخوردار است، بنابراین رگ خواب را انتخاب می‌کند.

جمع‌بندی

به‌این‌ترتیب سه منتقد، رگ خواب را برگزیده‌اند که این خود شاید دلیل موجهی باشد برای اینکه هنوز هم می‌توان به سینمای ایران برای حضور در جشنواره‌ها و جایزه‌های بین‌المللی امیدوار بود؛ هرچند این پرهیزها و اعتراض‌ها می‌تواند هشداری باشد برای افولی که اگر در میان باشد، در سال‌های بعدتر شاهد اتفاقات ناگوارتری نیز خواهیم بود، اما بهترین گزینه در مواجهه با این وضعیت، ابراز نظر و جوشش و کوششی برای ایجاد تحول و دگرگونی است و این تعهدی است که هر آدم اهل فرهنگی نباید از آن چشم بپوشد و همواره باید چشم‌اندازی را ترسیم کند که بشود در آن شاهد رؤیاهای میسر و مناسب برای ارتقای سطح کیفی سینما باشیم.

اهدای نشان «رشیدی» به معجونی و داوودنژاد

گروه هنر: نخستین مراسم اهدای نشان «داوود رشیدی» به اهالی فرهنگ و هنر، شامگاه چهارم شهریور در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. در این مراسم یاد و خاطره هنرمندی که یک‌سال از نبودنش می‌گذرد گرامی داشته شد. امیر اثباتی کارگردانی این مراسم را برعهده داشت و در کنارش منصور ضابطیان به‌عنوان مجری حضور داشت. در ابتدا لیلی رشیدی، حسن معجونی، سیامک صفری و حسین حسینیان صحنه‌ای از نمایشنامه «منهای دو» را که در نیمه دوم دهه ۸۰ ازسوی زنده‌یاد داوود رشیدی در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرا شده بود بازخوانی کردند.

سیامک صفری نخستین هنرمندی بود که درباره زنده‌یاد داوود رشیدی صحبت کرد. او گفت: «دو تجربه همکاری که با آقای رشیدی داشتم، پر از اتفاقات و خاطرات بود که آنها را فراموش نمی‌کنم. ای‌کاش آقای رشیدی را داشتیم تا باز هم روی صحنه برایشان بازی می‌کردم».

در ادامه اما فرهاد مهندس‌پور، مدرس و کارگردان تئاتر، با اشاره به اینکه اغلب معلم‌های تئاتر تنها تئاتر یاد نمی‌دهند، بلکه زندگی‌کردن را هم یاد می‌دهند، گفت: «امروزه کلمه بی‌ادعایی بی‌معنا شده، چراکه بازارش کساد شده است. در فیلمی که امشب پخش شد، آقای رشیدی به نکته مهمی اشاره کرد که تئاتر به خودی‌خود مهم است، نه موضوع تئاتر. ما ایرانی‌ها مشکلی با تئاتر داریم که باعث شده تئاتر صورت کاملا مردمی پیدا نکند. ما در دوره‌ای با تئاتر آشنا شدیم که تئاتر جنبه رسانه داشت و همیشه ذات تئاتر فراموش می‌شد؛ مانند پدیده دست‌دومی که درباره پدیده دست‌اولی چیزی می‌گوید، درحالی‌که تئاتر خودش مهم است، چون یک ملاقات اجتماعی است».

در ادامه این مراسم احترام برومند که به‌همراه فرهاد رشیدی و لیلی رشیدی روی صحنه حضور پیدا کرده بود، پیام رئیس دولت اصلاحات را به مناسبت برگزاری نخستین دوره اهدای نشان «داوود رشیدی» قرائت کرد. سپس با حضور جواد مجابی، نشان «داوود رشیدی» به عمید نایینی، فعال باسابقه عرصه مطبوعات و روزنامه‌نگاری، اهدا شد. احمد مسجدجامعی نیز نشان «داوود رشیدی» را به محسن میرزایی، پژوهشگر و روزنامه‌نگار پیش‌کسوت، اهدا کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های داوود رشیدی خاندان اوست که همه اهل فرهنگ و هنر و فرهیختگی هستند. در آخرین تئاترگردی با حضور داوود رشیدی به او قول دادم که موزه تئاتر راه‌اندازی شود. خیلی علاقه‌مند بودم که این خبر را در چنین مناسبتی بدهم؛ باید بگویم ساختمان پیشین تئاتر نصر خریداری شده و امیدواریم به‌زودی موزه تئاتر در این ساختمان راه‌اندازی شود».

در ادامه، مرضیه برومند نشان «داوود رشیدی» را به علیرضا داوودنژاد، کارگردان سینما، اهدا کرد و گفت: «می‌توانیم این نام‌ها را با هم ادغام کنیم و بگوییم خانواده برومندِ رشیدی یا رشیدِ برومند. خانواده ما این بخت را داشت که از حضور داوود رشیدی بهره‌مند شده و همراه او باشد و بیاموزد و این شانس خیلی بزرگی برای ما بود. امروز هم بخت این را دارم که به نیابت از خانواده رشیدی درباره یکی از بزرگ‌ترین فیلم‌سازان کشورمان صحبت کنم».

فاطمه معتمدآریا نیز نشان «داوود رشیدی» را به حسن معجونی، سرپرست گروه تئاتر «لیو» و بازیگر و کارگردان مطرح تئاتر، اهدا کرد: «از اینکه آقای رشیدی باعث شد بهترین‌های فرهنگ و هنر اینجا جمع شوند بسیار خوشحالم. من از آقای رشیدی چیزی جز عشق و لبخند ندیدم».

در پایان مراسم نیز احترام برومند در جملات کوتاهی درباره هنر حسن معجونی گفت: «از زمانی که او را شناختم، یاد زمانی افتادم که با داوود رشیدی آشنا شدم. هیچ‌کسی را به اندازه داوود رشیدی نمی‌شناختم که این‌قدر به تئاتر فکر کند. همچنین علاقه‌ای که داوود به تئاتر شهرستان‌ها داشت بسیار زیاد بود و این ویژگی‌ها را در حسن معجونی هم می‌توان دید»... .

او ادامه داد: «حسن معجونی سالن خصوصی در رشت راه‌اندازی کرده و نمایش‌هایی از چخوف را به زبان گیلکی در آنجا اجرا می‌کند. ما بنا داریم هر سال مراسم بزرگداشت داوود رشیدی و اعطای نشان او به هنرمندان را هربار در یک شهر برگزار کنیم، شاید سال آینده به رشت آمدیم»... .

محمدحسن معجونی نیز گفت: «این نشان برایم خیلی مهم است، چون به نام کسی است که به‌طور مداوم بیش از هرکسی به تئاتر فکر کرده است. این نشان متعلق به گروه تئاتر «لیو» است و برای من مسئولیت سنگینی دارد و می‌دانم که باید بایستم»... .

مصاحبه با نازنین فراهانی و حسام منظور درباره نمایش بانویی از اسلو

علیه قضاوت

گروه هنر: نازنین فراهانی و حسام منظور این شب‌ها در تالار حافظ به نمایش «بانویی از اسلو» جان می‌بخشند؛ نمایشی به کارگردانی مشترک علی اتحاد و مجید رحیمی‌جعفری و به تهیه‌کنندگی کتایون کیخسروی که ادای دینی به سینمای نوآر است و از «خانه عروسک» ایبسن الهام گرفته؛ در همین راستا این دو بازیگر با «شرق» گفت‌وگویی کردند. فراهانی در پاسخ به این پرسش که «خانه عروسک، متن قرن‌نوزدهمی هنریک ایبسن، نمایش‌نامه‌ای است درباره بیرون‌آمدن از توهم و طغیان زنی به نام نورا علیه جمود فکری دورانش. به نظر شما اقتباس دوباره از این نمایش‌نامه برای دوران حاضر توجیهی دارد؟» می‌گوید: «این نمایش‌نامه برداشتی آزاد از خانه عروسک است. در این متن آن نظام مردسالاری که مدنظر شماست و به شکلی در قرن نوزدهم وجود داشته، وجود ندارد، ولی خصوصیاتی همچون گذشت، فداکاری و تلاش و دست‌وپازدن برای حفظ خانواده، تقریبا در روحیات زن اصلی این نمایش‌نامه نیز قابل تشخیص است. هرچند که اینها در نهایت خصلت‌هایی هستند زنانه که ارتباطی به زمان و مکان ندارند. نوراي بانویی از اسلو هم یکی از این زن‌هاست که وقتی پای ازدست‌دادن شوهرش به میان می‌آید دست به فداکاری می‌زند که در نهایت برایش عقوبت‌هایی دارد»، اما حسام منظور نیز درباره ویژگی‌ای که در متن این نمایش‌نامه او را به نقش‌آفرینی ترغیب کرده می‌گوید: «شاخصه انتخاب‌هایم هرگز متن نبوده، چون متن چیزی است که در طول اجرا دچار تغییر و استحاله می‌شود و متن خوب لزوما به معنای اجرای خوب هم نیست. مؤلفه‌های دیگری برایم مهم است. جهان‌بینی مؤلف و کارگردان اثر برایم خیلی مهم است. صحبت‌هایی که در آغاز کار با علی اتحاد و مجید رحیمی شد تا جهانی که می‌خواستند بسازند برایم جذاب بود. اینکه به سمت نوآر و سین‌سیتی رفتند برایم جالب بود». اما پرسش بعدی از فراهانی چنین است: «نورا در نمایش‌نامه ایبسن و همچنین در بانویی از اسلو، یک مقروض، مجرم و جاعل است. هرچند که خود این اقداماتش را در جهت حفظ کیان خانواده و جان شوهرش مجاز و مطابق اخلاق می‌شمارد. آیا شما به‌عنوان یک زن به او حق می‌دهید؟» او پاسخ می‌دهد: «حق‌دادن و ندادن کار من نیست، کار هیچ‌کس نیست. قضاوت اصولا حق ما نیست. من می‌توانم بگویم با او همراه شدم یا نشدم. درکش کردم یا نکردم. هرکسی در شرایط بحرانی دست به انتخاب‌هایی می‌زند که در لحظه تصمیم‌گیری برای او بهترین تصمیم ممکن به حساب می‌آید. من نورا را درک کردم که توانستم بازی‌اش کنم. در زندگی شخصی خودم هم چندان اهل قضاوت‌کردن نیستم. بهتر است ابتدا کفش دیگران را بپوشیم و بعد ببینیم که آیا همان قدم قبلی را بر خواهیم داشت یا نه» و پرسش بعد: «بانویی از اسلو، خانه عروسک ایبسن را با مایه‌هایی از سینمای نوآر در هم آمیخته است. در حین خواندن نمایش‌نامه به‌شخصه برای شما کدام‌یک از اینها جذابیت بیشتری داشت؟ خواندن اقتباسی جدید از خانه عروسک ایبسن یا روایت آن به صورت یک فیلم نوآر؟ آیا به نظر شما متن فمینیستی، ساختارشکن و متهور ایبسن ظرفیت روایت‌شدن به سبک یک فیلم نوآر را دارد؟» فراهانی می‌گوید: «هر دو برای من جذابیت داشت؛ هم نمایش‌نامه که برگرفته از خانه عروسک بود و هم فرم انتخاب‌شده برای اجرا. من بازیگر سینما هستم و به‌عنوان یک مخاطب هم عاشق سینما هستم. پس وقتی ردی از سینما در تئاتر باشد آن را برای من جذاب‌تر هم می‌کند.

فرم انتخاب‌شده، ارجاعات متن به فیلم‌های شاخص نوآر و همه شیطنت‌های بصری کار، حتی به نظر من نوعی تدوین سینمایی بر اساس صحنه نمایش، چیزهایی بود که برای بازیگر وسوسه‌کننده است و برای من هم بالطبع چنین بود». درنهایت حسام منظور در پاسخ به این پرسش که لزوم اقتباس تئاتری از نوآر چیست، می‌گوید: «تئاتر جزیره کوچک آزادی است به تعبیر یوجینو باربا. بنابراین نمی‌توان گفت چرا. تئاتر جهان آزادی است که می‌تواند از همه ژانرها اثر بگیرد برای اینکه چیزی جدید بسازد. در برادوی هم به‌وفور اقتباس از آثار سینمایی صورت می‌گیرد. حتی آثار سینمایی درجه‌یک داشته‌ایم که تئاترش ساخته شده. سینما هنر محدودی است، ولی تئاتر جهان‌های گسترده‌تری را در معرض دید ما می‌گذارد».

«بانویی از اسلو» تا دهم شهریور، هرشب ساعت ۲۱ روی صحنه می‌رود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

نادر گلچین در بیمارستان بستری شد

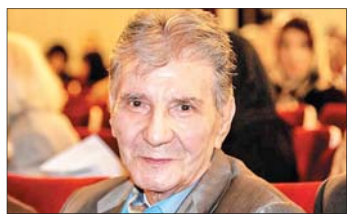

● نادر گلچین، خواننده پیش‌کسوت موسیقی ایرانی، به دلیل بیماری ریوی در بیمارستان بستری شد. به گزارش ایلنا، نادر گلچین که مدت‌هاست از بیماری ریوی رنج می‌برد، با شدت‌گرفتن بیماری، در بیمارستان گاندی بستری شد. این خواننده پیش‌کسوت موسیقی ایرانی در چند روز اخیر در بخش مراقبت‌های ویژه نگهداری شده و پروسه درمانی او همچنان ادامه دارد. وی شهریورماه سال گذشته نیز به دلیل بیماری ریوی و قلبی در بیمارستان بستری شده بود. نادر گلچین از خوانندگان قدرتمند موسیقی ایرانی محسوب می‌شود که آثاری چون یوسف گم‌گشته، مرغ سحر، ناوک مژگان، قصه شهر عشق، مسبب، من دیگه بچه نمیشم و آلبوم‌های گریز، نفس باد صبا و زلف بنفشه را اجرا کرده است. او در سال ۱۳۱۵ در رشت متولد شده است. نادر گلچین در سال ۱۳۳۹ به تهران آمد و فعالیت‌های هنری خود را در اداره هنرهای زیبا و وزارت فرهنگ و هنر آغاز کرد. اولین برنامه خود را با ارکستر محمود تاج‌بخش اجرا کرد و تا سال ۱۳۵۴ در این اداره به‌ترتیب با ارکسترهای فرامرز پایور، عباس خوشدل، عبدالکریم مهرافشان، عماد رام و مصطفی پورتراب ادامه همکاری داد. او در سال ۱۳۵۰ همکاری خود را با رادیو ایران شروع کرد که تا سال ۱۳۶۲ این همکاری ادامه پیدا کرد. گلچین در برنامه‌های مختلف رادیو، به‌ویژه برنامه گلها فعالیت چشمگیری داشت و با هنرمندانی چون فرامرز پایور، منصور صارمی، پرویز یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، علی‌اصغر بهاری، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، فضل‌الله توکل، جهانگیر ملک، امیرناصر افتتاح، محمد اسماعیلی، آبتین اجلالی و منصور نریمان همکاری کرد. از کارهای او که بسیار مورد استقبال شنوندگانش واقع شد، اجرای آهنگ «آمد نوبهار»، اثر مهدی خالقی بود که به رهبری فرهاد فخرالدینی بازسازی و با گروه کر رادیو اجرا شد.

معرفی هیئت داوران بخش عکس جشنواره «مسیر عشق»

● **گروه هنر:** هیئت داوران بخش عکس نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس «مسیر عشق» معرفی شدند. سیداحمد میرعلایی، دبیر جشنواره، در احکامی، سیداحسان باقری، رضا برجی، مجتبی حیدری، علی‌اصغر داودآبادی و مجتبی کوچکی را به‌عنوان داوران بخش عکس معرفی کردند. هیئت داوران، عکس‌های رسیده به دو بخش حرفه‌ای و مردمی این جشنواره را ارزیابی و داوری خواهند کرد. عکس‌های رسیده با دو موضوع کلی شامل: تبیین ابعاد سیاسی، مذهبی، اجتماعی و حماسی راهپیمایی ایام اربعین حسینی و شهادت امام رضا (ع) از طریق تولید آثار هنری و معرفی و ترویج فرهنگ عاشورایی با تکیه بر محصولات هنری در بین مخاطبان ایران و جهان و محورهایی همچون حضور ادیان و دیگر مذاهب در راهپیمایی اربعین، تأثیر راهپیمایی اربعین بر سلامت روانی جامعه جهانی، نقش تربیتی راهپیمایی اربعین بر محیط خانواده و فرزندان، ترویج فرهنگ ایثار و فروتنی در خدمت به زائرین اهل‌بیت (ع)، راهپیمایی اربعین از نگاه تاریخی، نهادینه‌سازی صحیح راهپیمایی اربعین به‌دور از هرگونه خرافه و انحرافات احتمالی، حضور زنان و کودکان در راهپیمایی اربعین با الگوپذیری از شخصیت حضرت زینب (س)، اهمیت راهپیمایی اربعین در مسیر انتظار و تحقق جامعه جهانی مهدوی، راهپیمایی اربعین و هراس استکبار جهانی و گروه‌های تروریستی، ضرورت شناخت افکار عمومی از فلسفه وجودی راهپیمایی اربعین و نیز معرفی ابعاد مختلف شخصیت امام‌حسین(ع) و صحابه ایشان، بررسی تاریخی وقوع حماسه عاشورا، حج و قیام امام‌حسین(ع)، نماز و قیام امام‌حسین(ع)، الگوسازی و ارائه سبک زندگی صحیح از زندگی امام‌حسین(ع) و صحابه ایشان، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در قیام امام‌حسین(ع) و نقش مدافعان حرم مطهر اهل‌بیت(ع) در حفظ فرهنگ اسلامی مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند. علاقه‌مندان برای شرکت در جشنواره می‌توانند به سایت جشنواره به نشانی www.Masireeshgh.com مراجعه و طبق مقررات مندرج در فراخوان، اثر خود را ارسال یا ارائه کنند. نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس«مسیر عشق» با محوریت راهپیمایی اربعین حسینی در عراق و ایام شهادت حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) در ایران از یکم تا پنجم آبان برای نخستین‌بار به صورت هم‌زمان در شهرهای مقدس مشهد و کربلا برگزار می‌شود.